



مروری بر فعالیتهای مدنی در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان در ایران

گزارش

شیما علی‌آبادی
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

امور مشارکت زنان دولت اصلاحات، برخی از این سازمان‌ها در حوزه زنان با رویکرد برابری جنسیتی فعالیت می‌کردند و نگرش‌های خاص خود را داشتند.^۱ مرجانه حالتی، مؤسس بنیاد امید مهر که در مجموعه خود به دختران آسیب‌دیده ۱۵ تا ۲۵ سال می‌آموزد تا در تصمیم‌گیری‌های آینده خود، بر اساس باورهای عرفی و سنتی رفتار نکنند،^۲ مؤسسه خود را در سال ۱۳۸۲ و در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی به ثبت رسانده و طبق گفته خود، با هیچ مشکلی نیز در این زمینه روبه‌رو نشده و "کسی هم کاری به او ندارد".^۳ هرچند در میان سمن‌های ثبت‌شده، سمن‌هایی نیز فعالیتهای خود را با توجه به شاخصه‌های بومی و مذهبی کشور تعریف کرده بودند اما غالب این سازمان‌ها از دسته نخست به شمار می‌رفتند. به‌ویژه آنکه این تغییرات با افزایش تعداد نشریات مرتبط با زنان، گسترش ارتباطات داخلی و بین‌المللی زنان، تسهیل شرایط برای افزایش مشارکت اجتماعی زنان در هر دو بخش دولتی و غیردولتی، تغییر برخی قوانین و در کل، تقویت و

در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، همزمان با ریاست جمهوری محمد خاتمی با بسط مفهوم جامعه مدنی، فعالیت تشکیلاتی و ان‌جی‌اویی رونق می‌گیرد و تشکل‌های زنان نیز در این عرصه پیش‌تاز هستند. نوشین احمدی‌خراسانی در این زمینه با اشاره به سال‌های ریاست جمهوری محمد خاتمی، از گروه‌های متنوع جنبش زنان که بی‌سر و صدا، با حرکت زیرپوستی فعالیت می‌کردند، یاد می‌کند. او معتقد است جریان فمینیسم با ایجاد نهادها و انجمن‌های زنان در راستای شعار جامعه مدنی، فعالیت خود را ارتقا داد و در کشور تأثیرگذار شد. در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ یکی از سیاست‌های دولت و مرکز امور مشارکت زنان، فعال کردن زنان در بخش غیردولتی و حوزه‌های اجتماعی در ابعاد توسعه، حمایت و تقویت سازمان‌های غیردولتی، جامعه مدنی، فعالیت اجتماعی و رشد فرهنگی- اجتماعی زنان بود. سیاست‌هایی به منظور رشد سازمان‌های غیردولتی زنان اتخاذ شد و این سازمان‌ها تقریباً به ۹ برابر افزایش یافت. به گفته زهرا شجاعی، رئیس مرکز

یکی از برنامه‌های فعالان مدنی در موضوع خشونت علیه زنان، آشکارسازی خشونت از طریق به اشتراک‌گذاری تجربه‌های خشونت بود تا به گفته خود بتوانند خشونت را از امری شخصی خارج کنند. چون خود زنان هم نیاز دارند تا به مقوله خشونت حساس باشند، ابعاد آن را بشناسند و خشونت را جدی‌تر بگیرند

گسترش جنبش زنان^۴ همزمان شده بود. با افزایش نقش جامعه مدنی در حوزه زنان و مشارکت فعالان زن، بحث خشونت علیه زنان که یکی از موضوعات فعالیت‌های فمینیستی در جهان است و در کنفرانس‌های متعدد مورد بررسی قرار گرفته،^۵ در دستور کار این سمن‌ها قرار گرفت.

خشونت، شخصی نیست؛ آشکارش کنید

یکی از برنامه‌های فعالان مدنی در موضوع خشونت علیه زنان، آشکارسازی خشونت از طریق به اشتراک‌گذاری تجربه‌های خشونت بود تا به گفته خود بتوانند خشونت را از امری شخصی خارج کنند. چون خود زنان هم نیاز دارند تا به مقوله خشونت حساس باشند، ابعاد آن را بشناسند و خشونت را جدی‌تر بگیرند. سیمین مرعشی از فعالان امور زنان و عضو مرکز فرهنگی زنان در میزگردی که روز سیزدهم تیرماه ۱۳۹۴ با عنوان بررسی فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی در مورد خشونت علیه زنان، توسط انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد، درباره این فعالیت‌ها این‌گونه توضیح داد: «این NGO تصمیم گرفت خشونت علیه زنان را از حوزه خصوصی به حوزه عمومی بکشاند... با وجود چنین نیازی، ارتقاء آگاهی خود و دیگران و ایجاد حساسیت درباره شکل، محتوا و بینشی که در پس چنین خشونت‌هایی نهفته است و طرح این مسئله در سطح جامعه، هدف ما قرار گرفت.»^۶

سه سال قبل هم پس از آنکه تعدادی از وکلای دادگستری تصمیم گرفتند پیش‌نویس قانون منع خشونت خانگی علیه زنان را تهیه کنند، کارزاری با عنوان کارزار منع خشونت خانوادگی را در روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان راه‌اندازی کردند و کوشیدند در قالب برگزاری کارگاه‌ها و جلسات مختلف، به مستندسازی روایات و تجربیات زیسته زنان در زمینه خشونت خانگی بپردازند. یکی از اهداف این

کارزار، جمع‌آوری روایت‌های زنان خشونت‌دیده و شاهدان خشونت خانوادگی اعلام شد. جلوه جواهری، از دست‌اندرکاران این کارزار معتقد است که «روایت‌گری، زوایای پنهان را بیشتر آشکار می‌کند، وقتی خشونت به روایت درمی‌آید از پنهان‌بودگی خارج می‌شود و ضمن ایجاد همدلی در میان افراد با روایت‌های مشابه، آن‌ها را تشویق می‌کند که این مسئله را پنهان نگه ندارند، آن‌ها درمی‌یابند که مقصر نیستند و هیچ چیز خشونت را توجیه نمی‌کند. بنابراین نباید چون خشونت می‌بینند شرمگین باشند، بلکه کسی که خشونت می‌کند مقصر است. آن‌ها هرچقدر بیشتر مسئله را پنهان کنند و از دیگران فاصله بگیرند، بیشتر به کسی که خشونت می‌ورزد فرصت داده‌اند تا به کار خود ادامه دهد. از سوی دیگر مسئولیت اجتماعی دیگران را گوشزد می‌کند که اگر نسبت به خشونت‌دیده و خشونتی که رخ می‌دهد بی‌تفاوت باشند، درواقع با خشونت‌گر همدست شده‌اند».^۷ آشکارسازی خشونت، با گسترش شبکه‌های اجتماعی، وسعت بیشتری پیدا کرد. برخی فعالان مدنی با ایده‌گرفتن از کارزارها و حرکت‌های مدنی شکل گرفته در سایر نقاط دنیا از این فضا استفاده کردند و با راه‌اندازی سایتی با نام «دیده‌بان آزار» harasswatch.com از افراد خواستند روایات خود را از آزار و همچنین نقشه آزارهای خیابانی را بر روی نقشه جغرافیایی شهر ثبت کنند و با دیگران به اشتراک گذارند.^۸ تا مناطق پرخشونت کشور مشخص شود. علاوه بر این فعالیت‌ها، این روزها با استفاده از قابلیت شبکه‌های اجتماعی، به خصوص توئیتر و اینستاگرام، افراد با به اشتراک‌گذاشتن تجربه خود یا دیگری و زدن هشتگ، هم مانند یک NGO وارد عمل شده و آشکارسازی کرده و هم افراد دیگر را ترغیب می‌کنند که به‌مثابه یک NGO عمل کنند. برخی از این هشتگ‌ها از همین منظر توانسته‌اند در فضای مجازی جریان جدی و پرمخاطبی را ایجاد کنند؛ هرچند میزان اثربخشی این فعالیت‌ها در فضای حقیقی و در نوع عملکرد افراد باید مورد بررسی قرار گیرد، ولی به هر حال، نمی‌توان تأثیر آن را بر اذهان نادیده گرفت. #سکسیسم_روزمره، #جهان_خودرا_نارنجی_کنیم، #حتی_یک_قربانی_تجاوز_هم_زیاد_است، #metoo و... برخی از این هشتگ‌های پرتکرار است.

ارزیابی مداخلات صورت‌گرفته در این زمینه، نشان از بی‌توجهی به مؤلفه‌های فرهنگی و مذهبی دارد. به‌خصوص در مورد خشونت‌هایی که جنبه جنسی داشته و زنان به دلایل فرهنگی، از بازگ کردن آن‌ها احراز دارند یا بیان آن با جزئیات، آن هم در شبکه‌های اجتماعی مجازی از سویی برای فضای اخلاقی جامعه مضر است و از سوی دیگر خشونت علیه زنان در فضای مجازی را تقویت می‌کند. مدنس^۹ و همکارانش قربانیان عاطفی شرکت‌کنندگان در کمپین‌های آنلاین را در

مقالات خود درباره فمینیسم دیجیتال مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که ۷۲ درصد پاسخگویان پس از به اشتراک گذاری آنلاین تجربیات خود، تجربه کامنت‌های توهین‌آمیز، خشونت یا دشمنی آنلاین را داشتند.

این نحو تعریف جزئیات اندام‌های بدن زنان، مسائل دوران قاعدگی، خشونت‌های جنسی و... به مرور حیای زنانه را که از اصول اساسی دین اسلام است، کم‌رنگ می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «شش ویژگی نیکوست اما از شش گروه نیکوتر: عدالت نیکوست اما از امیران نیکوتر... و حیا نیکوست اما از زنان نیکوتر».^{۱۰} پیامبر اکرم (ص) نیز کم‌حیایی زنان را امری ناپسند شمرده‌اند.^{۱۱} از این روایات و روایات پرشمار دیگر، می‌توان نتیجه گرفت به دلیل توجه ویژه‌ای که به حیای زنان هم در تکوین و هم در اخلاق مبذول شده، لازم است روش‌های مورد استفاده کنشگران اجتماعی منافاتی با این وجه نداشته باشد و موجب اضمحلال یا کم‌رنگ شدن آن نشود.

آموزش یک‌سویه به زنان برای رهایی از خشونت

علاوه بر آشکارسازی، آموزش ابعاد خشونت، مسائل حقوقی و مهارتی از فعالیت‌های دیگر مدنی در این زمینه است. «خانه امن» عنوان فعالیت مجازی گروهی از فعالان حوزه زنان در موضوع خشونت علیه زنان است. آن‌ها خود را این‌گونه معرفی می‌کنند: «ما گروهی از فعالان اجتماعی هستیم که خشونت خانگی را به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی مورد هدف قرار داده و برای پیشگیری، مقابله و کاهش آن تلاش می‌کنیم. ما معتقدیم کاهش خشونت خانگی با آموزش، ظرفیت‌سازی، گفت‌وگو و مشارکت عمومی مردم نتیجه می‌دهد».^{۱۲} با این بیانیه مأموریت «خانه امن» فعالیت خود را که در قالب سایت و شبکه‌های اجتماعی مختلف پیگیری می‌شود، در قالب طراحی بسته‌های آموزشی برای اقشار مختلف و ارائه مشاوره‌های حقوقی و روان‌شناسی صورت می‌دهد. سازمان دفاع از قربانیان خشونت هم که یک سازمان غیردولتی و دارای مقام مشورتی خاص با شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد است و فعالیت خود را در سال ۱۳۶۷ آغاز کرده، اغلب در قالب برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای کارشناسان مراکز درمانی و مشاوره‌های دولتی به مداخله مدنی برای مقابله با خشونت علیه زنان می‌پردازد. این سازمان همچنین مرکز مشاوره رها را تأسیس کرده که خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های روان‌شناسی، ازدواج، مسائل خانواده و مشکلات تحصیلی به صورت تلفنی به زنان ارائه می‌دهد. آموزش‌ها به شیوه طراحی پوسترهای مرتبط و توزیع آن‌ها در شبکه‌های مجازی نیز پیگیری می‌شود. گروه مدنی «دیده‌بان آزار» پوسترهای آموزشی طراحی کرده و

علاوه بر توزیع در شبکه‌های اجتماعی، و در تاکسی‌ها و برخی اماکن عمومی نصب می‌کند. تاکنون بعضی از پوسترهای این گروه مدنی مورد توجه بعضی مسئولان دولتی و اعضای شورای شهر هم قرار گرفته و با همخوان کردن این پوسترها در صفحات مجازی خود، از آن حمایت کرده‌اند.

در فعالیت‌های مدنی آموزشی، هدف اصلی در مقابله با خشونت علیه زنان، به‌خصوص خشونت خانگی، رهایی زن از این خشونت است و حفظ خانواده اولویت ندارد. زنان از طریق کلاس‌های آموزشی و کارگاه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی با مصادیق مختلف خشونت علیه خود در خانواده آشنا می‌شوند و پی می‌برند فلان رفتارهای همسر یا پدر یا برادر مصداق خشونت علیه زنان است و نباید از سوی آنان تحمل شود. البته روان‌شناسی و تکنیک‌های برقراری ارتباط و کنترل خشم نیز در این بخش آموزش داده می‌شود تا روابط زوجین بهبود یابد اما تمرکز بر تشریح قوانین و مکانیزم‌های حمایتی بیرونی است؛ اگر خشونت اتفاق افتاد با کدام شماره تلفن‌ها تماس بگیرند یا به چه مراکزی برای شکایت مراجعه کنند یا در چه شرایطی از خانه‌های امن استفاده کنند و... از یک منظر، چنین آموزش‌هایی برای زنان ضروری به نظر می‌رسد اما از منظر دیگر، آسیب‌هایی به آنان و زندگی خانوادگی‌شان وارد می‌کند. زنانی که با این رویکرد آموزش می‌بینند به تدریج احساس می‌کنند وضعیت اسفبار و غیرقابل تحملی در خانواده در ارتباط با همسر دارند که باید تغییر کند. این احساس، صبوری زنان را برای ایجاد تغییر به شدت کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، از آنجا که تمرکز این رویکردها آموزش و فرهنگ‌سازی در جامعه مردان نیست، لذا امید چندان هم به تغییر آنان وجود ندارد. پس اختلاف بین زوجین بالا می‌گیرد و خشونت‌ها نیز افزایش می‌یابد و تنها راه رهایی برای زن، خروج از زندگی خانوادگی است. به این ترتیب، زن اگر خوش‌شانس باشد و همسرش نخواهد پس از جدایی انتقام بگیرد، از قید زندگی قبلی و خشونت‌هایش رها شده است و از این پس باید بار زندگی را به تنهایی بر دوش بکشد که عمدتاً دورانی محنت‌بار برای بسیاری از زنان مطلقه است یا باید به دنبال یک ازدواج بهتر باشد که احتمال رخ دادن آن امیدبخش نیست. پیامدهای این رویکرد در مقابله با خشونت، در جوامع سنتی به دلیل برجستگی و شدت، بهتر قابل بررسی است. مرجانه حالتی، مؤسس بنیاد امید مهر تأکید دارد که در کارگاه‌ها، به دختران یاد داده می‌شود که چگونه به بازاندیشی باورهای عرفی، سنتی و اجتماعی و نیز بنیان‌های اخلاقی بپردازند و آن‌ها را به نقد بکشند: «آن‌ها یاد می‌گیرند که ماندگاری باورهای عرفی و سنتی در فرهنگ ما دلیلی بر درستی آنان نیست».^{۱۳} این‌گونه هجمه به باورهای فرهنگی و سنتی، و مداخله بدون در نظر گرفتن شرایط بومی، مذهبی و حتی اقتصادی جوامع،

نتیجه‌ای جز افزایش سطح ناراضی‌ت‌ی زنان از زندگی خانوادگی، افزایش طلاق، و شدیدترشدن مسائل و آسیب‌های اجتماعی زنان نخواهد داشت. اگر رویکردهای مرسوم مقابله با خشونت علیه زنان، بیش از سرمایه‌گذاری بر آموزش زنان، آموزش مردان را در برنامه کاری خود قرار دهد و از گروه‌های مرجع تأثیرگذار در جوامع به‌ویژه روحانیون کمک بگیرد تا آنان را برای تقبیح خشونت علیه زنان برانگیزاند و همچنین زنان را در کنار آگاه‌سازی با توجه به مؤلفه‌های بومی، به صوری و تغییر تدریجی تشویق کند، می‌تواند بسیار موفق‌تر و کم‌آسیب‌تر از شرایط کنونی باشد.

خدمات رسانی به زنان آسیب‌دیده تحت نظارت بهزیستی و وزارت بهداشت

علاوه بر این فعالیت‌ها، سازمان‌های دولتی نظیر وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی، شهرداری‌ها و وزارت کشور با پررنگ‌ترشدن آسیب‌های اجتماعی، دست یاری خود را به سوی سمن‌ها دراز کردند و با ارائه مجوز به برخی سازمان‌های مدنی، مداخلاتی را در این زمینه تحت نظارت خود رقم زدند. دو مرکز مردمنهاد مهم که با مجوز بهزیستی در زمینه خشونت علیه زنان فعالیت می‌کنند، "مهر طه" و "خانه خورشید" است. "مهر طه" در سال ۱۳۸۱ فعالیت خود را آغاز کرد و جامعه هدف آن دختران بی‌سرپرست و بدسرپرستی هستند که به دلایلی نظیر اعتیاد والدین، فوت آن‌ها، فقر، آزار جنسی، ضرب و شتم و... به این مؤسسه ارجاع داده می‌شوند و به صورت شبانه‌روزی از آن‌ها مراقبت می‌شود.^۴ علاوه بر مراقبت شبانه‌روزی، خدمات مشاوره و مددکاری به آن‌ها ارائه می‌شود و در مورد تحصیل و کار هم مورد حمایت قرار می‌گیرند. اما "خانه خورشید" یک مرکز گذری کاهش آسیب اعتیاد در محله دروازه غار تهران؛ یعنی محله‌ای پرآسیب است که از سال ۱۳۸۵ آغاز به کار کرد. لیلا ارشد، مؤسس خانه خورشید در نشست «زنان و زندگی روزمره» در توضیح فضای محله دروازه غار گفت: «زنان دروازه غار مشکلات احساس عدم امنیت دارند، اما نمی‌توانند در محیط خود تغییر ایجاد کنند. خانه‌هایشان فروخته نمی‌شود، فرزندان‌شان به آن‌ها سر نمی‌زنند و دائماً ساختمان‌هایی در محله تخریب می‌شوند که این مکان‌ها برای ساکنان بومی، بی‌دفاع می‌شود. در این محله دو گروه از زنان زندگی می‌کنند؛ زنانی که به تنهایی یا با خانواده‌های خود از شهرهای مختلف به تهران مهاجرت کرده‌اند و کولی‌ها که از نژاد هندی هستند و دست به جابه‌جایی مواد و تن‌فروشی می‌زنند. خشونت در این گروه بسیار بالاست و کودک‌آزاری و همسرآزاری در این خانواده‌ها دیده می‌شود. گروه دوم مهاجرین خارجی هستند که افغان و

عراقی هستند که البته تعداد عراقی‌ها بسیار کم است... زنان تن‌فروشی در این محله داریم که برای تأمین هزینه‌های خود و فرزندان‌شان دست به تن‌فروشی می‌زنند. زنان زباله‌گردی داریم که زباله جمع می‌کنند. با دستگیری این زنان بعد از آزادی، با پدیده‌ای به نام آوردن این زنان مواجهیم. در این محلات زنان ساقی داریم. تضادی که وجود دارد آن است که زنان کارتن‌خواب و تن‌فروش در اغلب موارد موادفروش هم هستند. مواد می‌فروشدند تا مواد مصرفی خود را تأمین کنند. بنابراین اگر بتوانیم از این زنان حمایت کنیم، برایشان اشتغال فراهم کنیم و... روزگار این افراد روز به روز بدتر می‌شود».^۵ درهم‌تنیدگی اعتیاد، روسپی‌گری و بیماری‌های مقاربتی در زنان، موجب شده خدمات این مرکز هر سه بعد را دربرگیرد. بخش DIC این مرکز، خدماتی مانند تغذیه و آموزش‌های فردی و گروهی ارائه می‌کند. این آموزش‌ها شامل آشنایی با مسائل بهداشتی و شناخت سیستم ایمنی بدن می‌شود تا یاد بگیرند چگونه از خود مراقبت کنند که بیمار نشوند. همچنین مشاوران و مددکاران مرکز، مهارت‌های فردی و گروهی و شیوه‌های فرزندپروری را به مددجویان آموزش می‌دهند. بخش دیگر، آموزش مهارت‌هایی مانند کار با کامپیوتر و حرفه‌آموزی با هدف توانمندسازی این زنان است. تقریباً تمام مراجعان این مرکز چندین بار به زندان رفته‌اند و خیاطی، بافتنی و گلیم‌بافی را آموخته‌اند. بنابراین خانه خورشید با خرید دارهای کوچک تابلو گلیم کار را شروع می‌کند. زنان گلیم می‌بافند و قلاب‌بافی می‌کنند و مبلغی دریافت می‌کنند.^۶ انجام تست اعتیاد، معاینات منظم زنان و تهیه داروی نسخه‌های آن‌ها، انجام تست سرطان دهانه رحم به صورت رایگان، ارجاع مددجویان مبتلا به اچ‌آی‌وی و هپاتیت به بیمارستان امام خمینی (ره) و کلینیک‌های مشاوره بیماری‌های رفتاری و... برخی از خدمات پزشکی ارائه‌شده توسط این مرکز است. خانه خورشید، علاوه بر خدمات درون‌مرکزی خود، با گروه‌هایی تحت عنوان «OutReach» سوزن و سرنگ و وسایل پیشگیری از بارداری در اختیار زنان و مردان معتاد منطقه می‌گذارد و سوزن و سرنگ‌های آلوده را جمع‌آوری می‌کند.

این دسته از فعالیت‌ها هرچند به بازگشت زنان آسیب‌دیده به زندگی عادی توجه دارد و در این راستا حمایت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی از این زنان ارائه می‌دهد و از سویی با قصد عدم گسترش آسیب به دیگران انجام می‌پذیرد اما مبنای عقلانیتی که در این بحث وجود دارد این است که گرچه ما اعتیاد، ایدز، روسپی‌گری و... را یک معضل می‌دانیم اما در صورتی که با وجود تلاش‌ها نمی‌توانیم این معضل را از میان ببریم، می‌توانیم به سمت آسیب‌زدایی آن حرکت کنیم. همین عقلانیت اگر توسعه یابد، ممکن نتایج خطرناکی مثل ایجاد بازار رسمی مواد الکلی برای جلوگیری از صدمات ناشی

از مواد الکلی ناسالم و خطرناک و یا راه اندازی خانه های فحشا برای جلوگیری از شیوع بیماری ایدز به عنوان راهکار را مطرح کند. درحقیقت به نظر می آید اگر وارد این مسیر شویم، در نهایت پیامدهای بعد از آن را نمی توانیم نادیده بگیریم.

علاوه بر این مداخلات، شهرداری ها نیز در سال های اخیر مداخلات محله به محله و مشارکتی را از طریق گروه های مدنی زنان برای کاهش آسیب های اجتماعی به ویژه خشونت علیه زنان در مناطق پرآسیب تعریف کرده اند. در این روش مشارکتی تلاش می شود افرادی که همیشه در حاشیه هستند، مانند جامعه زنان در تحقیق مشارکت داده شوند و علاوه بر ارائه اطلاعات مورد نظر پژوهشگر، خود نیز فعال شده و ضمن کسب خودآگاهی نسبت به مشکلات، برای رفع آن ها وارد عمل شوند. بر اساس توضیح اجمالی مجریان طرح کاهش خشونت در شهرداری تهران، که بخشی از آن در سایت "بیدارزنی"^{۱۸} آمده است، روش PRA (ارزیابی مشارکتی روستایی Participatory rural appraisal) برای کاهش خشونت علیه زنان در مناطق ۱۰ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۷ تهران و همچنین جمع آوری اطلاعات کیفی در همین زمینه به این ترتیب به کار می رود: ابتدا با استفاده از پتانسیل های هر منطقه مانند جلسه ها و روضه های زنانه یا سراهای محله، زنان فعال آن محل شناسایی می شوند. سپس تسهیلگران یعنی تیم پژوهش و آموزش که قرار است با استفاده از روش ارزیابی مشارکتی، زنان را آموزش داده و فعال کنند، هدف اصلی طرح یعنی کاهش خشونت علیه زنان را برای زنان فعال محله تشریح کرده و از آن ها می خواهند سایر زنان را به جلسات اصلی دعوت کنند. جلسات اصلی به صورت کارگاهی اجرا می شود و در واقع ماه ها به طول می انجامد. تسهیلگران در این کارگاه ها از زنان محله می خواهند ابتدا مصادیق خشونت را برشمارند و آن را توصیف کنند. سپس خود علت هایی را که به نظرشان می رسد، بیان کنند و در نهایت روش هایی برای کاهش خشونت پیشنهاد دهند. تسهیلگران در این مسیر، کار مهم و سختی بر عهده دارند و باید به طور غیرمستقیم با استفاده از داستان ها یا ایجاد پرسش های هدفمند، نگرش مخاطبان را در جهت آموزش های فمینیستی اصلاح کنند.

بخشی از روش های ارائه شده از سوی زنان محل نیز ممکن است کارآمد یا همسو با آموزش های فمینیستی نباشد، اما تسهیلگران برای جلب اعتماد و ممانعت از ایجاد فاصله بین خود و مخاطبان، به مخالفت آشکار با آن نمی پردازند. به عنوان نمونه در یکی از کارگاه ها افزایش روابط دختران و پسران در حوالی دانشگاه تازه تأسیس محل، به عنوان یکی از مصادیق ناامنی عنوان شده یا در جای دیگر برای حل مشکل متلک گوئی، عنوان کرده اند که باید به زنان محل

روش های مداخله گری از نوع مشارکتی، ابزار بسیار خوبی برای فعال کردن توده های منفعل و انتقال و درونی کردن مفاهیم و ارزش های مورد نظر تسهیلگران است اما اهداف و ارزش های فمینیستی و راه حل های آن برای مشکلات زنان از جمله خشونت، متأسفانه آسیب زاست و نه تنها مشکل زنان را حل نمی کند بلکه با صدمه زدن به نهاد خانواده و سست کردن آن، زنان و به تبع آن جامعه را در معرض انواع جدیدی از مشکلات قرار می دهد.

تذکر داد حجاب اسلامی را رعایت کنند. در کارگاهی دیگر نیز برای کاهش خشونت، مراجعه به امام جماعت مسجد و تقاضا برای وساطت او و نصیحت همسر را به عنوان یکی از روش های حل مشکل مطرح کرده اند. به تصریح مجریان طرح، این نوع نگاه در توصیف و ارائه راه حل که ناشی از غلبه کلیشه های جنسیتی و آموزه های دینی به عنوان یک نهاد خشونت زاست، باید اصلاح شود اما مخالفت علنی با این پیشنهادها و توصیف ها به ارتباط و اعتماد مخاطب آسیب می زند، لذا از مقابله مستقیم اجتناب می شود و در عوض روش های دیگر مورد تأکید قرار می گیرد. پس از طی این مراحل که ممکن است ماه ها به طول بیانجامد، هر گروه از زنان که در کارگاه مسیری از آگاهی را با یکدیگر طی کرده اند، اکنون پروژه هایی متناسب با راه حل های نهایی طراحی و خود برای اجرای آن اقدام می کنند. این پروژه ها در طرح مذکور شامل مواردی نظیر طراحی بروشور برای آگاهی بخشی به زنان درباره انواع خشونت، تهیه نشریه محلی، برگزاری دوره دفاع شخصی، همایش رفع اعتیاد و ایجاد مشاغل خانگی مانند تولید قارچ یا مربا برای توانمندی سازی اقتصادی زنان بود تا آن ها را در مقابل خشونت مردان، مقاوم کند. اطلاعات حاصل از این گفت وگوها و کارگاه ها با زنان محله در قالب نتایج پژوهش کیفی برای بررسی مصادیق و جایابی خشونت ها و نگرش سنجی نیز قابل تدوین و استفاده است. شیوه های دیگر مددکاری اجتماعی غیرمشارکتی نیز از سوی فعالان حقوق زنان در شهرهای دیگر اجرا می شود. به عنوان نمونه یک سازمان غیردولتی در ایلام به کمک شهرداری، زنان را برای مقابله با خشونت آموزش می دهد. مددکاران پرتلاش

این سازمان برای هر سال، تعدادی از محلات شهر را بسته به توان نیروها انتخاب می‌کنند. هر مددکار با یک محله شروع می‌کند و ابتدا به سراغ مسجد محل یا جلسه‌های مذهبی می‌رود تا با کمک آن‌ها زنان محله را جمع کرده و برایشان کلاس‌های آموزشی درباره انواع خشونت تشکیل دهد و آگاهشان کند که اگر با چنین رفتارها یا گفتارها یا عملکردی از سوی همسر یا دیگران مواجه شدند، خشونت‌دیده هستند و با روش‌های طرح‌شده در کلاس باید با آن مقابله کنند. در اغلب این محلات، زنان مددکار ابتدا مجبور هستند با روش‌هایی از جمله پخش بسته‌های بهداشتی و توصیه‌هایی در این زمینه برای بهبود وضعیت بهداشت زنان، اعتماد آنان را جلب کنند تا به سخنان بعدی آن‌ها گوش دهند. بعد از کلاس‌های آموزشی نیز برنامه دارند که دائم به خانه افراد محل سر زده و از احوال زن خانه آگاه شوند و در برخی موارد با مرد خانه درباره خشونت سخن بگویند و او را به کاهش رفتارهای خشن تشویق و ترغیب کنند.

به طور مسلم بهره‌گیری از این روش‌ها اگر فراگیر و مستمر باشد، به فمینیست‌های ایرانی کمک می‌کند تا فاصله‌ای را که با توده‌های مردم عادی دارند، کاهش دهند. همچنین به آن‌ها مساعدت می‌کند تا به تدریج نظام ارزشی و سبک زندگی و نوع نگاه زنان را به روابط خانوادگی و هویت زنانه و مردانه تغییر دهند. به این ترتیب به عنوان مثال زنی که پیش از این مورد ضرب و شتم همسر قرار می‌گرفت و تحمل می‌کرد، به گفته خود تحت تأثیر این کارگاه‌ها از این پس فعالانه وارد دعوا می‌شود و او هم در حد توان خود به ضرب و شتم می‌پردازد. روش‌های مداخله‌گری از نوع مشارکتی، ابزار بسیار خوبی برای فعال کردن توده‌های منفعل و انتقال و درونی کردن مفاهیم و ارزش‌های مورد نظر تسهیل‌گران است اما اهداف و ارزش‌های فمینیستی و راه‌حل‌های آن برای مشکلات زنان از جمله خشونت، متأسفانه آسیب‌زاست و نه تنها مشکل زنان را حل نمی‌کند بلکه با صدمه زدن به نهاد خانواده و سست کردن آن، زنان و به تبع آن جامعه را در معرض انواع جدیدی از مشکلات قرار می‌دهد. به عنوان نمونه توانمندسازی اقتصادی زنان بدون اصلاح فرهنگ مردان و بدون آموزش زنان برای نحوه تنظیم روابط اقتصادی با همسر، این توان جدید را به چماقی بر سر مرد و مایه افزایش تنش در خانواده و کاهش مسئولیت‌پذیری مرد تبدیل می‌کند.

آگاه‌سازی زنان به حق و حقوق و جسارت‌دادن برای مقابله با ظلم، اگرچه ضروری و تحسین‌برانگیز است اما اگر با تدبیر و بدون دغدغه برای حفظ خانواده صورت نگیرد، به افزایش آمار طلاق می‌انجامد و آسیب‌های به مراتب خطرناک‌تر و گسترده‌تری را نسبت به برخی از مصادیق قبلی خشونت، بر زنان و فرزندان‌شان و کل جامعه تحمیل می‌کند. هرچند این

موارد جزء دغدغه‌های فمینیستی نیست و ممکن است حتی مرحله‌ای گذار برای هرچه مدرن‌تر شدن و رهایی از سنت قلمداد شود ولی در نظر قائلین به نهاد خانواده از چالش‌های اساسی بوده که ضمن آگاهی‌دادن و کمک به زنان، از چه طریقی به حفظ و تحکیم نهاد خانواده اقدام شود؟ به همین دلیل است که تلاش‌هایی از این دست در کمک به بهبود وضعیت زنان، از سوی دیگر نگرانی‌های جدی برمی‌انگیزد که از تضعیف و انحراف باورهای دینی مردم گرفته تا ترویج روش‌های آسیب‌زا برای مقابله با آسیب را در برمی‌گیرد.

منابع

- ^۱ گفت‌وگوی مهرخانه با زهرا شجاعی، ۷ خرداد ۱۳۹۲
- ^۲ <https://iranwire.com/fa/features/2737?ref=specials>
- ^۳ همان
- ^۴ گفت‌وگوی روزنامه شرق با سعید مدنی قهفرخی، ۱۳/۴/۱۳۹۶
- ^۵ Violence against women: a statistical overview, challenges and gaps in data collection and methodology and approaches for overcoming them", (2005), Organized by: UN Division for the Advancement of Women in collaboration with: Economic Commission for Europe (ECE) and World Health Organization (WHO)
- ^۶ <http://yon.ir/FIPTI>
- ^۷ <https://meidaan.com/archive/45256>
- ^۸ <https://harasswatch.com/news/1002>
- ^۹ Mendes
- ^{۱۰} حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۹۴
- ^{۱۱} همان
- ^{۱۲} <http://www.khanehamn.org/about-us>
- ^{۱۳} همان
- ^{۱۴} <http://mehrkhane.com/fa/news/9189>
- ^{۱۵} <http://mehrkhane.com/fa/news/29737>
- ^{۱۶} <http://mehrkhane.com/fa/news/13808>
- ^{۱۷} <http://bidarzani.com/10146>